



۲۰۱۹/۰۹/۲۴



حمید انوری

## پاسِ آشنائی ها

به دل گفتم کدامین شیوه دشوار است در عالم ؟  
نفس در خون تپید و گفتم: پاسِ آشنایی ها ...

پاسِ آشنائی ها را داشتن و حفظ کردن، بی هیچ اما و مگری و بی هیچ چون و چرائی، دشوارترین شیوه در عالم است و بیدل همه دل، چه بجا و چه زیبا این اصل آدمیت و انسانیت را بیان داشته است. در کشور به خون تپیده ما، درست آن زمان پاسِ آشنائی ها دستخوش طوفان مهیبی گردید که یک مشت ددمنش از خود و خدا بی خیر، کشور آبائی ما را به دو توت سودا کردند. و چنان بود که دیگر نه از تاک نشان ماند و نه از تاکنشان و پاسِ آشنائی ها هم دود شد و به هوا رفت. و اما اگر این کشور برباد داده شده و خاک و خاکستر شده، هنوز هم پا برجاست و هنوز هم باشندگان آن سامان نفس می کشند، موجودیت آنانی خواهد بود که گویا استخوان قدیم اند و هنوز هم اصول اساسی انسانیت، افغانیت، رفاقت و دوستی را از بر دارند و پاسِ آشنائی ها را فراموش نکرده اند و حتی یک لحظه هم، اختلاف نظر ها که یک اصل قبول شده انسانی است، خدشه ای بر آن وارد نکرده است. چه مشکل و چه دشوار است پاسِ آشنائی ها را با دل و جان نگهداشتن و آنرا محترم داشتن و با آن پابند بودن و در نتیجه درس انسانیت و افغانیت به فرزندان این آب و خاک آموختن. این مقدمه مختصر جهت اظهار سیاسی از ته دل، از آن بزرگواران تواند بود که الحق پاسِ آشنائی ها را به بهترین وجه نگهداشتند و درسی آموختند به آیندگان و به فرزندان این مرز و بوم که دیربست در گرداب خودخواهی ها و خود محوری ها دست و پا میزنند. این بزرگواران و سروران ما، هر یک جنابان محترم "مایار" صاحب، "نوری" صاحب و "اسیر" صاحب اند که چه زیبا پاسِ دوستی ها را نگهداشتند و در نبود جسمی کاکای محترم ما، زنده یاد انجنیر "محمد حسین انوری" که نظر به نوشته زیبای مایار صاحب گرامی، دهه ها باهم دوستی و آشنائی و رفاقت داشته اند، مرثیه ها

نوشتند و روح و روان آن زنده یاد را شاد نمودند و برای بازماندگان شان قوت قلب ارزانی داشته و باعث تسلی روحی گردیدند.

دستان مبارک شان را صمیمانه می فشاریم و آرزو میکنیم هرگز روی درد را نبینند.  
از شعر بلندبالای بزرگوار محترم جناب "اسیر" صاحب گرامی نیز صمیمانه سپاسگزاری میکنیم و برای هر یک از این عزیزان و بزرگواران ما که غنیمت بزرگی برای این آب و خاک بشمار میروند، عمر طولانی توأم با صحت و سعادت آرزو میکنیم.

در همین جا لازم می افتد تا از همه دوستان، آشنایان و عزیزان، بخصوص از دوست دیرین، رفیق شیرین و یار روزهای تنهایی و غمین آن زنده یاد که تا آخرین دقایق ایشان را تنها نگذاشتند، شخصیت با وقار و فرشته خو، محترم "سلام جان شیراز"، از ته دل و از صمیم قلب اظهار امتنان نمائیم.  
الله پاک یار و یاور همه شان باد!!!

## توبه کردم که قلم دست نکشیم اما...

هاتقی گفت که این بیت شنیدن دارد  
و خدا خواست که یعقوب نبیندیک عمر  
شهر بی یار مگر ارزش دیدن دارد..؟!

**یادداشت:** این سپاسنامه ناچیز به آخر رسیده بود که "تسلیت نامه" ای بزرگوار محترم جناب انجنیر صاحب "معروفی" آنلاین گردید و گویا "زنگ دل ما را کند"، که دستان مبارک شان درد نکند و ممنون از غم شریکی، تسلیت نامه و نیز ذره نوازی های همیشگی شان در حق این کمترین. زنده و صحتمند و با سعادت باشند.  
در مورد ترجمه متذکره "آفتاب خدا بر فراز اروپا" که باری در مجله زیبای "درد دل افغان" اقبال نشر یافته بود، خدمت عرض شود که چند ماه قبل از وفات، روانشاد "محمد حسین انوری" همان ترجمه ها را با بازنگری و اصلاحات، تحت عنوان "تجلی اسلام در اروپا" در قطع و صحافت کوچک، در ۱۰۸ صفحه در شهر مزار شریف به چاپ رسانده بودند و ناگفته نماند که همیشه ممنون محبت ها و رهنمائی های قیمندار و نیز کمک های مادی و معنوی محترم انجنیر صاحب "مایار" در اهتمام و نشر کتاب بودند. زحمات خستگی ناپذیر محترم "مایار" صاحب و خبرگیری های بلاوقفه شان از روانشاد کاکایم، هرگز فراموش نمی شود. زنده و سلامت باشند.

با صمیمانه ترین اظهار سپاس - خانواده "انوری"